



Research Article

A Comparative Study of the Approach of Imam ‘Ali (AS) and Āl-e Bouyeh Government (Baghdad Branch) to the Christians¹

Abbas Rahbari

PhD., Department of Islamic Education, Shahid Modarres Campus, Farhangian University, Kurdistan, Iran (**Corresponding Author**). azsazs45@gmail.com

Ayyoub Tahmazi

PhD., Department of Islamic Education, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. ayoubtahmazi@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is to study the approach of Imam ‘Ali (AS) and Āl-e Bouyeh government (Baghdad Branch) to the Christians. The method of study is descriptive-analytical and the results showed that although the duration of Imam ‘Ali’s government was so short, it had abundant achievements and outcomings and it was derived from the Qur’an and Sirah of the Holy Prophet of Islam (PBUH). Following the governmental style of Imam ‘Ali (AS), Āl-e Bouyeh attempted to observe cautious aspects in their encounter with the Christians and treated them according to the Islamic instructions such as equality and brotherhood. Although their measures were not as complete as the ones in Imam ‘Ali (AS)’s government, yet it can be concluded that the measures of Imam ‘Ali (AS) have been referenced as a suitable role model for the Muslims in that period. During the governments of ‘Alavi and Āl-e Bouyeh, common people and the Christians were treated appropriately and they had relative welfare. The Christians’ condition in the Shi’ite Bouyeh society was by far better than their condition in other places. Bouyeh governors were observing the utmost accuracy and attempt so that religious minorities especially the Christians in their territory had welfare. Adoption of this policy caused the presence, cooperation, and employment of some Christians in the Bouyeh government and it led to Islamic Renaissance. The approach of many Bouyeh officials and governors to the Christians was similar to the method of the ‘Allavis.

Keywords: Imam ‘Ali (AS), Christians, Religious Minorities, Shi’ite.

1. **Received:** 2021/06/30 ; **Accepted:** 2021/10/18

* Copyright © the authors

* <http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





بررسی تطبیقی برخورد امام علی (ع) و حکومت آل بویه (شاخه بغداد) با مسیحیان^۱

عباس رهبری

دکتری، گروه معارف اسلامی، پردیس شهید مدرس، دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران
(نویسنده مسئول). azsazs45@gmail.com

ایوب طهمزی

دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین،
ایران. ayoubtahmazi@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی برخورد امام علی (ع) و حکومت آل بویه (شاخه بغداد) با مسیحیان است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد با اینکه مدت حکومت امام علی (ع) بسیار کم و کوتاه بود، اما حاصل و دستاوردهای فراوانی داشته و برگرفته از قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص) بوده است. آل بویه با پیروی از شیوه حکومتی امام علی (ع) تلاش نمودند جوانب احتیاط را در برخورد با مسیحیان رعایت کنند و با آنها براساس آموزه‌های اسلامی چون برابری و برادری برخورد نمایند. هرچند این اقدام آنان مانند حکومت امام علی (ع) کامل نبود، اما می‌توان نتیجه گرفت که اقدامات امام علی (ع) به عنوان یک الگوی مناسب برای مسلمانان در این زمان می‌تواند مورد استناد باشد. در دوره حکومت علوی و بویه‌ای، رفتار مناسبی با توده مردم و مسیحیان صورت می‌گرفت. مسیحیان در رفاه نسبی بودند. وضع مسیحیان در جامعه بویه‌ای شیعی مذهب، به مراتب، بهتر از وضع آنها در سایر جاها بود. حاکمان بویه‌ای نهایت دقت، سعی و کوشش را می‌نمودند تا اقلیت‌های دینی و مخصوصاً مسیحیان در قلمرو آنان در رفاه باشند. اتخاذ چنین سیاستی باعث شد در دستگاه بویه‌ای، شاهد حضور، همکاری و اشتغال مسیحیان باشیم که به طبع آن رنسانس اسلامی پدید آمد. سیره بیشتر کارگزاران و حاکمان بویه‌ای در تعامل با مسیحیان، به سیره علوی نزدیک بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، آل بویه، مسیحیان، اقلیت‌های دینی، شیعه.

۱. مقدمه

آنچه از مطالعه منابع تاریخی به دست می‌آید، در اغلب سرزمین‌ها، دین، مذهب و عقیده واحدی که دربرگیرنده همه مردم باشد، دیده نمی‌شود. همان‌گونه که گفتار، کردار و پندار هر ملتی نسبت به سایر ملل متفاوت است، پس طبیعی است که دین، باور و عقیده‌های متفاوتی نیز داشته باشند. از دیرباز و از زمانی که ممالک با مرزها از یکدیگر تفکیک شدند و حدود مشخص گردید، قوانین و حقوق نیز جاری و ساری شد. هر حکومتی برای ملت خود قوانینی را تصویب و در اجرای این قوانین سعی نمود. این حقوق و قوانین، بیشتر برگرفته از کتب آسمانی ادیان مختلف است. خداوند ضمن معرفی دین اسلام، ریشه همه ادیان را متصل به هم معرفی می‌نماید. «نزل علیک الکتاب بالحق مصدقاً لما بین یدیه و انزل التوریه و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان» (آل عمران، ۳-۴). «والذی اوحینا الیک من الکتاب هو الحق مصدقاً لما بین یدیه» (فاطر، ۳۱). دین به همه مسائل مسلمانان و اقلیت‌ها توجه نموده و به وسیله خاتم الانبیاء (ص) برای نزدیکی همه امم آورده شده است. آنچه در جوامع اسلامی، در قرآن و از زبان پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بیان شده، تعامل با توده مردم و تعیین حقوق آنان بوده که بخشی از آن شامل زردشتیان، مسیحیان، یهودیان و صابئین بوده است. این اقلیت‌ها بدون آنکه مجبور باشند دین خود را تغییر دهند، در سرزمین‌های اسلامی ماندند و در کنار مسلمانان و بعضاً دور از آنان زندگی کردند. اقلیت‌های دینی و مذهبی عضو جدا نشدنی از پیکره سرزمین‌های اسلامی به حساب می‌آمده‌اند. اهتمام به رعایت حقوق همه و اهل ذمه، آسایش و آرامش را در جامعه نیز نشان می‌دهد.

۲. بیان مسئله

پژوهش حاضر ضمن بررسی سیره امام علی (ع) و حاکمان آل بویه‌ای (شاخه بغداد) با مسیحیان، در پی پاسخ به این سؤالات است که سیره امام و حاکمان آل بویه در تعامل با مسیحیان چگونه بود؟ شیوه حاکمان بویه‌ای تا چه اندازه به سیره علوی نزدیک بوده است؟

فرضیه ارائه شده این است که با توجه به این‌که بویه‌یان شیعی مذهب و از محبّان علی بن ابی طالب (ع) بوده‌اند، روش آن حضرت را در تعامل با مسیحیان به کار می‌بستند و تا حدودی توانستند با مسیحیان ارتباط و برخوردی مناسب داشته باشند.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات، از روش مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

در تاریخ اسلام، الگویی که منطبق با اسلام ناب باشد را می‌توان در حکومت امام علی (ع) و تعامل ایشان با اقلیت‌های دینی یافت. حضرت علی (ع) به پیروی از فرامین اسلام، رفتار مسالمت‌آمیزی با اقلیت‌ها داشتند و زمانی که ایشان بر جامعه حکومت می‌کردند، پیروان ادیان و مذاهب در امنیت و رفاه به سر می‌بردند. ایشان همچنین برای نزدیکی مذاهب به یکدیگر، تلاش و سعی بلیغ داشتند تا جامعه اسلامی را از نفاقی که بعد از رحلت نبی اکرم (ص) در بر گرفته بود، دور کنند. اوج نفاق میان مذاهب در دوره‌ای رخ داد که متوکل عباسی (حکومت: ۲۳۲-۲۴۷ق) بر کرسی خلافت نشست. شدت گرفتن اختلافات میان مذاهب، دامن اقلیت‌های دینی را نیز می‌گرفت. در این دوره پیروان ادیان مجبور بودند لباس‌هایی بر تن نمایند که متمایز از مسلمانان باشند؛ اما پس از به قدرت رسیدن آل‌بویه، اختلافات تا حد زیادی رو به کاهش گذاشت.

لذا، اهمیت پژوهش حاضر در این است که در عصر حاضر مسلمین با اقلیت‌های دینی چگونه رفتار کنند تا در کنار هم بتوانند زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند.

با مراجعه به منابع موجود در خصوص سلسله آل‌بویه، مشاهده شد که پژوهش‌های زیادی در خصوص این خاندان انجام شده است، اما به شکل موردی، پژوهشی در خصوص نقش آل‌بویه در تقریب ادیان در قلمرو خلافت عباسی صورت نگرفته است؛ هرچند در خصوص تقریب بین مذاهب مطالبی را می‌توان یافت. با توجه به این‌که هم‌زمان با آل‌بویه در ایران، دولت‌های متقارن نیز وجود داشتند که میانه خوبی با مذاهب و ادیان دیگر نداشتند، آل‌بویه با داشتن روحیه تسامح و تساهل فکری، در تقریب بین ادیان نقش به‌سزایی ایفا کردند که این نگرش باعث شده بود هر کدام از پیروان ادیان در انجام شعائر و مراسم دینی خویش آزاد باشند. همین موضوع لزوم بررسی نقش آل‌بویه را در تقریب ادیان برجسته می‌سازد.

۴. پیشینه پژوهش

اگرچه در خصوص سیره حکومتی علی بن ابی‌طالب (ع) مطالب فراوانی نگاشته شده، به نظر می‌رسد کم‌تر به بررسی تطبیقی رفتار حکومت‌ها با سیره آن امام پرداخته شده باشد. از جمله پژوهش‌های مرتبط در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مسیحی و حق‌پرست (۱۳۹۴)، مقایسه شیوه تعامل با اقلیت‌های دینی در حکومت امام علی (ع) و حاکمان صفوی؛ بارانی و دهقانی (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی رواداری مذهبی حاکمان آل‌بویه و

سلجوقیان در امور سیاسی و حکومتی؛ شاکری (۱۳۸۶)، تساهل‌گری مذهبی آل‌بویه. نوآوری پژوهش حاضر این است که در این نوشتار به مقایسه سیره حکومت حضرت علی(ع) و بویهیان با مسیحیان پرداخته شده است، در حالی که در پژوهش‌های پیشین، از این زاویه نگریسته نشده است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. حکومت امام علی(ع) و آل‌بویه

۵-۱-۱. حکومت امام علی(ع)

امام علی(ع) حدود پنج سال زمام جامعه اسلامی را در دست داشت. گسترش اسلام در اقصی نقاط جهان، توسط مسلمانان و دستیابی آنان به قدرت و ثروت و روی آوردن حاکمان اسلامی به تجملات و فراموش کردن دستورات نبی اکرم(ص)، بار دیگر حکومت اشرافی را به وجود آورد که باعث شد ارزش‌هایی که پیامبر اسلام(ص) ایجاد نموده بودند، کم‌رنگ شود. «اوضاع جامعه اسلامی در این دوره چهره‌ها و رنگ‌های گونه‌گون دارد. دل‌ها را در برابر آن طاقت شکیبایی نیست. عقل‌ها را تاب تحمل نیست. سراسر آفاق را ابری سیاه فرو پوشیده و راه‌های روشن ناشناخته مانده» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱). امام شیعیان در برابر مردمی که از حضرتش درخواست می‌کردند که زمام امور را به دست گیرند، فرمود: «مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید، زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است و چهره‌های گوناگون دارد و دل‌ها بر این بیعت ثابت و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند، چهره افق حقیقت را ابرهای تیره فساد گرفته و راه مستقیم حق ناشناخته ماند. آگاه باشید، اگر دعوت شما را بپذیرم، براساس آنچه می‌دانم، با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و به سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرانمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، چون یکی از شما هستم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالی که من وزیر و مشاورتان باشم، بهتر است که امیر و رهبر شما گردم»^۱ (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۵). چنین به نظر می‌رسد که ایشان با این بیانات، طرح، الگو و برنامه‌هایی را ترسیم می‌کنند که چشم‌انداز حکومتی است که قرار است به دست گیرند. در چنین

۱. «دَعُونِي وَ اَلْتَمِسُوا غَيْرِي، فَاِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ اَمْرًا لَهُ وُجُوهُ وَ اَلْوَانٌ لَا تَقْوَمُ لَهُ الْقُلُوبُ وَ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ، وَ اِنَّ الْاَهْقَاقَ قَدْ اَعَامَتْ وَ الْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ. وَ اَعْلَمُوا اَنِّي اِنْ اَجَبْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا اَعْلَمُ وَ لَمْ اَضِعْ اِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَثَبِ الْعَاتِبِ، وَ اِنْ تَرَكْتُمُونِي فَاَنَا كَاَحَدِكُمْ وَ لَعَلِّي اَسْمَعُكُمْ وَ اَطُوْعُكُمْ لِمَنْ وَاَلَيْتُمُوهُ اَمْرَكُمْ، وَ اَنَا لَكُمْ وَزِيْرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي اَمِيْرًا»

اوضاع و احوالی بود که امام علی (ع) به اصرار مردم، حاکمیت جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرند.

مهم‌ترین مشکلات پیش روی حضرت به اختصار عبارت بودند از:

(۱) خلافت، در سست‌ترین حالت خود بعد از رسول خدا (ص) قرار داشت.

(۲) در مقابل پایه‌های سست خلافت در مدینه، پایه‌های حکومت امویان - که مهم‌ترین دشمن حکومت علوی به شمار می‌آمد - در شام بسیار مستحکم بود.

(۳) توسعه جغرافیایی دنیای اسلام بدون تعمیق فرهنگ اسلامی در اذهان و افکار مردم بود (بلاذری، ۱۳۷۷، ص ۵۵۰-۵۵۱).

(۴) تحریف آموزه‌های اصیل اسلامی در دوران قبل از حکومت امیرالمؤمنین (ع).

۱-۲. حکومت آل بویه و تحولات سیاسی - اجتماعی آن دوره

آل بویه، سلسله‌ای ایرانی و شیعه، منسوب به بویه، معروف به ابوشجاع (۳۲۲-۴۴۸ق/ ۹۳۳-۱۰۵۶م)، بر بخش بزرگی از ایران و عراق و اقلیم جزیره^۱ تا مرزهای شمالی شام حکومت داشتند. حکومت آل بویه مراسم عزاداری امام حسین (ع) در عاشورا و جشن ولایت حضرت علی (ع) در غدیر خم را با شکوه و عظمت برپا می‌کرد (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۲۵؛ همدانی، ۱۹۶۱م، ج ۱، ص ۱۸۳). قبور ائمه شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد و سنت زیارت آنان، گسترش یافت (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۴۲۴). شعائر دیگر شیعه امامیه همچون گفتن «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَ لِيَّ اللَّهُ دَرِ الْأَذَانِ» (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۶۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۶۴؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۸۴)، استفاده از مهر نماز و تسیحی که از تربت امام حسین (ع) ساخته شده بود (ثعالبی، ۱۹۵۶م، ج ۳، ص ۱۸۳)، از دیگر نمادهای شیعه امامیه در عراق عهد آل بویه خوانده شده است.

در قرن چهارم و زمانی که معزالدوله امیر بویه‌ای بغداد (پایتخت خلافت عباسی) را تسخیر کرد، وسعت شهر بغداد چنان وسیع بود که جمعیت بسیاری را در خود جای داده بود. این شهر، محلی برای درگیری‌های سیاسی و عقیدتی شده بود و هر لحظه امکان داشت مسلمانان، فرق و مذاهب مختلف، رو

۱. اقلیم جزیره (به عربی: الجزيرة) منطقه‌ای جغرافیایی واقع در بخشی از کردستان عراق، سوریه و ترکیه می‌باشد که کوه‌های آناتولی و رودهای دجله و فرات آن را احاطه کرده‌اند و نام تاریخی بخش بالایی میان‌رودان (بین‌النهرین علیا) بوده و سه شهر اصلی آن رقه (در شمال سوریه) و موصل (در شمال عراق) و آمد (در جنوب شرقی ترکیه) بوده است. این منطقه عمدتاً گردنشین می‌باشد. به اقلیم جزیره، جزیره آقور و جزیره قور هم گفته‌اند.

در روی هم قرار گیرند و جنگ خونینی به راه اندازند (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۱۴-۱۱۵). بی تردید این صحنه‌ها، منازعات و درگیری‌ها، عاملی علیه تعامل با اقلیت‌های دینی نیز به شمار می‌آمد. در چنین اوضاع و احوالی حاکمان آل بویه بر بغداد مسلط شدند.

همانطور که ملاحظه می‌شود، شرایط و اوضاعی که امیر مؤمنان (ع) حکومت اسلامی را بر عهده می‌گیرند، با شرایطی که بویه‌یان بر پایتخت و قلمرو خلافت عباسی چیره می‌شوند، تقریباً برابر است. اوضاع پریشان بر جهان اسلام سایه گسترده و اصول و قواعد اسلامی از متن اصلی خارج و به حاشیه رانده شده است. آنچه در این بین بیشتر متفاوت است، شخصیت امام علی (ع) با امرای بویه‌ای می‌باشد. با این توضیح که اولی معصوم و قرآن ناطق است و دومی انسان‌هایی که می‌توانند جایز الخطا باشند. امرای آل بویه شیعه مذهب بوده و ارادت خاصی به مولای شیعیان داشته‌اند. این را می‌توان از سفارش و وصیت آنان مبنی بر این‌که در کنار جوار ملکوتی حضرتش و سایر امامان معصوم به خاک سپرده شوند، استنباط کرد.

در زمان حکومت آل بویه، مردم عراق و ایران پیرو دین اسلام بودند که اقلیتی از مسیحیان نیز در آن مناطق حضور داشتند (ابن حوقل نصیبی، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۲۸).

۵-۲. تعامل با مسیحیان در سیره حکومتی امام علی (ع) و بویه‌یان

۵-۲-۱. انسانیت و شایسته سالاری

حضرت علی (ع) در حدود پنج سال در رأس مدیریت جامعه اسلامی قرار گرفتند. در این مدت در گفتار و عملکرد خویش الگویی جامع و کامل برای شایسته سالاری ارائه داده‌اند. الگوی رفتاری ایشان را می‌توان از لابه‌لای و جملاتی که به حکمرانان می‌نوشتند، به دست آورد. آن حضرت در نامه‌ای به «رفاعه» قاضی اهواز چنین می‌فرماید: «ای رفاعه... هر کس خیانتکاری را به کار گیرد، پیامبر اکرم (ص) در دنیا و آخرت از او بیزار است» (تمیمی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۳۱). این حکم، مبنی بر این‌که از به‌کارگیری خیانتکاران در بدنه حکومت جلوگیری شود، حجت را بر حاکمان اسلامی تمام می‌کند. همچنین در خصوص شایسته‌سالاری، فرمایش ایشان قابل تأمل است. آن حضرت ضمن بیان لیاقت و شایستگی خود برای امر حکومت، لزوم توجه به این معیار را در خطبه شمشقیه یادآور شده‌اند^۱ (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق، ص ۴۴). در جای دیگر می‌فرماید: «مردم دو گروه‌اند یا هم‌کیشان تو هستند یا

۱. «أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْفَعُ إِلَى الطَّيْرِ»

همانندان تو در آفرینش»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ایشان با این نامه و فرمان، محبت و لطف به همه مردم و اقلیت‌های دینی را وظیفه حاکمان اسلامی برمی‌شمارند و آنان را نسبت به رعایت حقوق توده مردم سفارش می‌کنند. بعد از گذشت چند سال از رحلت نبی اکرم (ص) و در دوران امام علی (ع)، ضمن احیای دوباره قواعد اسلامی، توده مردم، اقلیت‌ها و مخصوصاً مسیحیان نیز از رأفت حاکمیت اسلامی برخوردار شدند. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک! با تمام مردم مصر اعم از مسلمان و غیر مسلمان به نیکی رفتار کن و محبت خود را نثار همه آنها کن». همچنین می‌فرماید: «ای مالک! قلبت را نسبت به زیردستان خود از محبت پر کن، و به آنان مهربانی کن و لطف خود را ارزانی بدار، زیرا آنان از دو حال خارج نیستند، یا خواهران و برادران دینی تو هستند یا هم‌نوعان تو در آفرینش به‌شمار می‌آیند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

حاکمان بویه‌ای نیز وقتی زمام امور را به دست گرفتند، افراد شایسته و فاضل را بدون در نظر گرفتن اصل و نسب و تعلقات دینی و مذهبی‌شان بکار گرفتند و با این کار، به آیه ۱۳ سوره حجرات «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» عمل نمودند. آنان با احترام گذاشتن به اقلیت‌ها و تعامل با ایشان، حتی توانستند درباری متفاوت‌تر از دربار خلفای عباسی و دولت‌های متقارن داشته باشند. به طوری که دیده می‌شود ابوسعید اسرئیل بن موسی، کاتب عمادالدوله، از مسیحیان بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۹۹). وی زمانی نیز به کتابت برای معزالدوله می‌پرداخت. عضدالدوله هم دبیرانی چون نصر بن هارون مسیحی و ابن ارزق مسیحی داشت (همدانی، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۲۰۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۵، ص ۱۱۸). همچنین از فرماندهان عضدالدوله، ابوالعلاء عبیدالدین فضل، مسیحی بود (کبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱). مهلبی، وزیر معروف آل‌بویه، به ابوالعلاء عیسی بن ابزونا، علاقه و اعتماد داشت، به طوری که پس از قتل مهلبی، حاضر نشد اسرار وی را فاش نماید (همدانی، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۱۸۵؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۴، ص ۴۵۲-۴۵۳؛ متحده، ۱۳۸۸، ص ۹۷).

آنچه وجه تشابه حکومت علوی و بویه‌ای است، این است که در هر دو دوره به اقلیت‌ها به خاطر انسان بودنشان احترام گذاشته شد. با دیدن اسامی مسیحیان در دستگاه بویه‌ای، چنین به نظر می‌رسد که بویه‌یان نیز به مانند امام علی (ع)، کارها را جز به شایستگان واگذار نمی‌کردند. به قول ابن خلدون، بویه‌یان چنان امپراتوری گسترانیدند که سایر ملل به آن‌ها افتخار می‌کنند (ابن خلدون، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۲۰).

۱. «إِنَّمَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»

۵-۲-۲. عدل، انصاف و برابری

در رعایت عدل، انصاف و برابری، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حضرت علی (ع) به حاکم اسلامی سفارش می‌کنند که در حق خواص و خویشاوندان و همه مردم، عدالت و انصاف را رعایت نماید. از این بیان گهربار چنین برمی‌آید که ایشان حتی حاکمان خود را به رعایت عدل و انصاف نسبت به سایر اقلیت‌های دینی ملزم می‌دارند، زیرا حضرتش کنار گذاشتن انصاف را در ردیف جنگ با خدا می‌داند («... وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يُتُوبَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

بیشتر حاکمان بویه‌ای نیز درصدد رعایت انصاف و عدالت با مردم و اقلیت‌ها بودند. آنان با اینکه شیعه مذهب بودند، اما با مسیحیان برخوردی مناسب داشتند و آنان را در ساخت و تعمیر کلیساهای خود که نمونه‌ای از رعایت انصاف و عدالت است، یاری می‌نمودند. برای نمونه، عضدالدوله دیلمی به وزیرش نصر بن هارون مسیحی (متوفای ۳۷۲ق) دستور داد دیرها و کلیساهای شیراز (یکی دیگر از مناطق تحت امر حاکمان بویه‌ای) را تعمیر کند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۰۸). هرچند برخی بر این باور بودند که مسیحیان نباید به ساخت کلیسا در مرکز خلافت اسلامی مبادرت نمایند (ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۳۰۱)؛ اما بویهیان برای بازسازی مراکز دینی و مذهبی، ضمن در نظر گرفتن بودجه‌ای خاص، مأمورینی نیز به این کار برمی‌گزیدند تا کلیساهایی که خراب شده‌اند را تعمیر نمایند. البته کار بویهیان به اینجا ختم نشد. عضدالدوله به ساخت و تعمیر مساجد، بیمارستان‌ها و ساختمان‌های عمومی روی آورد و به اصلاح قنات‌ها و چاه‌ها پرداخت؛ وی دستور داد قسمتی از دارایی‌های دولت را برای رفاه حال افراد تهیدست مسلمانان و اهل ذمه که شامل مسیحیان نیز می‌شد، اختصاص دهند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۸۰-۴۸۱؛ ابن جوزی، ۱۳۵۹ق، ج ۷، ص ۱۱۶؛ لین پل و بارتولد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۳).

مسیحیان در عصر آل‌بویه به طور آزادانه در دیرهای خود در ایام عید به جشن و پایکوبی می‌پرداختند و حتی در برخی از این جشن‌ها، مسلمانان نیز حضور می‌یافتند. یکی از این دیرها، «دیر دُرمالِس» بود که در جانب دروازه شماسیه بغداد و نزدیک منزل احمد بن بویه دیلمی قرار داشت (شابشتی، ۱۹۵۱م، ج ۳، ص ۳؛ حموی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۵۰۹). همین اجازه مرمت اماکن مقدسه و تخصیص بودجه برای بینوایان، خود نشانه‌ای از رعایت عدل، برابری و انصاف در بین حاکمان بویه‌ای نسبت به مسیحیان به حساب می‌آید.

۵-۲-۳. بی عدالتی

تبعیض، بی عدالتی و نابرابری، از جمله اعمال نکوهیده و ناپسند در همه ادیان الهی است. لذا، می‌طلبید خود حاکم، اولین کسی باشد که در رفع تبعیض و ترویج عدالت گام بردارد، زیرا «الناس بامرائهم اشبه منهم بأبائهم و اذا تغير السلطان تغير الزمان» (حرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۴). امام علی (ع) می‌فرمایند: «اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم» (نهج البلاغه، خطبه ۳). وقتی شخص مسیحی، از حضرتش به قاضی شکایت کرد، آن امام ضمن حضور در جایگاه متشاکی، حتی به دستور قاضی نیز اعتراض فرمودند (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴-۵). ایشان به عنوان خلیفه مسلمین، همان قاضی را که حکم بر علیه حاکم اسلامی صادر کرده بود نیز به پرهیز از بی عدالتی، تبعیض و رعایت عدالت سفارش نمودند (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۷).

زمانی که بویهیان قدرت یافتند، سیاست‌هایی را دنبال کردند، یکی از این سیاست‌ها، رفع بی عدالتی‌ها بود. آنان مسیحیان را در دربار خود به کار می‌گرفتند و مشاغلی را به آن‌ها می‌سپردند. معزالدوله و عزالدوله نیز از اقلیت‌های دینی در کارهای وزارت استفاده می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۹؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۲؛ فرای، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸). عضدالدوله اداره بغداد را به نصر بن هارون مسیحی و سهل بن بشر واگذار کرده بود. ابن مکیخای مسیحی نیز ندیم و خزانه‌دار عضدالدوله بود. همچنین یکی از سپهسالاران عضدالدوله، ابوالعلا عبیدالدین فضل نصرانی نام داشت. وی در سال ۳۶۹ق، فرماندهی لشگری را به عهده گرفت که برای گوشمالی دادن بنی شیبان مهیاء شده بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۱۰، ۴۶۴؛ ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۱۱۷، ۱۲۲؛ روزراوری، ۱۳۷۹، ص ۹۲؛ کبیر، ۱۳۶۲، ص ۵۱، ۱۰۶).

همچنین نشست‌ها، مجالس و جلسات، هر از گاهی در حضور حاکمان و وزیران آل‌بویه برگزار می‌شد. این کار که در سایه سیاست تسامحی و تساهلی حاکمان آل‌بویه اتفاق می‌افتاد، باعث شد مسیحیان در جلسات مختلف حضوری فعال و پرشور داشته باشند (توحیدی، ۱۹۵۶م، ج ۱، ص ۲۲۸؛ ثعالبی، ۱۹۵۶م، ج ۲، ص ۲۲۴؛ ابراهیم حسن، ۱۳۹۲، ص ۵۸۷؛ کرمر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳).

۵-۲-۴. نحوه برخورد

حاکم اسلامی باید رفتاری شایسته با امت خود داشته و به امور مسلمانان و ذمیان رسیدگی و

احتیاجات آنان را برآورده نماید. امام علی (ع) حاضر نیست در حکومت خود، کسی را بنده دیگری ببیند. «و لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بر این اساس وقتی بینوای مسیحی که از فقر و ناداری، به گدایی روی آورده بود را دید، دستور داد تا از خزانه حکومتی برای وی حقوق ماهانه پرداخت نمایند (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۴۹). ایشان با یک فرد مسیحی همراه می‌شوند و به خاطر این فرد مسافت زیادی را با او طی می‌کنند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۳). اقدامات امام علی (ع)، نشان‌دهنده این است که اقلیت‌ها در نگاه یک حاکم اسلامی، دارای ارزش و احترام هستند. این همان نگاه انسانی ایشان به انسان‌ها است. در این نگاه، اصل، انسان بودن است، نه اقلیت (مسیحیان) و نه اکثریت (مسلمانان) (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۴۳۹).

حاکمان آل‌بویه در برخورد با پیروان ادیان، اخلاق و منش مسلمانی را سرلوحه کارهای خویش قرار دادند. حاکمان بویهی به خصوص عمادالدوله و رکن الدوله با مردم چنان به خوبی رفتار می‌کردند که آنان را با وجود مذهب و نژاد گوناگون به خود جذب می‌نمودند. به گونه‌ای که نیک رفتاری عمادالدوله با مردم و نیکی با سپاهیان لشکر و تمایل آن‌ها به وی، باعث پیروزی‌های اولیه وی شد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۹۹؛ ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۳، ص ۲۹۴). همچنین اصلاحاتی که معزالدوله دیلمی در قلمرو خلافت عباسی مخصوصاً در بغداد انجام داد، باعث شد عموم مردم او را دوست داشته باشند (ابن مسکویه، ۱۳۳۲ق، ج ۶، ص ۱۶۵؛ فقیهی، ۱۳۵۷، ص ۴۲۲). «معزالدوله در رواج کار ملک، سعی بلیغ نمود و...» (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹، ص ۳۴۶-۳۴۷). وقتی در سال ۳۶۹ق بین مسلمانان و اقلیت‌های دینی درگیری پیش آمد، عضدالدوله دستور داد عاملین را دستگیر کرده و به سزای عملشان برسانند (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۵، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ ابن عبری، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۵۴). ناگفته نماند که بعضی از حاکمان بویه‌ای، رفتار مناسبی با توده مردم و مسیحیان نداشتند و این همان تفاوت بین حاکمیت معصوم و حاکمیت دیگران است.

۵-۲-۵. وفای به عهد

از جمله آیه‌های قرآن در خصوص پابندی به وفای عهد، آیه اول سوره مائده می‌باشد: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...». به نظر می‌رسد اگر با کافران و دشمنان نیز عهد و پیمانی بسته شده باشد، باز هم می‌بایست به آن پابند بود. «وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطِّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین «اعْتَصِمُوا بِالذِّمَمِ فِي أَوْتَادِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). این

سخنان پربار قرآنی و بیانات شیوای امام شیعیان، ما را ملزم به رعایت و متعهد به آنچه عهد کرده‌ایم می‌نماید.

در روایتی آمده است که وقتی طلحه و زبیر برای تجدید عهد به خدمت امام آمدند، با اینکه نفاق و پیمان‌شکنی آنان بر حضرت علی(ع) محرز شده بود، امام بیعت آنان را پذیرفت (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۰).

شایان ذکر است که وفای به عهد، تنها به زمان صلح، مختص و محدود نمی‌شود و در حال جنگ نیز باید به پیمان‌های بسته شده، وفادار بود. همچنان که امام علی(ع) اینگونه رفتار می‌کردند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۷).

بیشتر کارگزاران بویه‌ای نیز دارای رفتار خاص خود بودند و با ادعای آنان که از پیروان امام علی(ع) هستند، فاصله داشتند، اما سعی می‌کردند خود را همانند مقتدایشان نشان دهند. وقتی معزالدوله دیلمی از طرف عمادالدوله دستور یافت به کرمان حمله کند و آنجا را به تسخیر درآورد (ابن اثیر، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۴۸۷۸؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۳۹، ص ۴۱۲)، امیر علی الیاس فرمانروای کرمان به مقابله با او پرداخت. وی در روز با سپاه امیر بویه‌ای جنگ می‌کرد، اما همین که شب فرامی‌رسید و آتش بس اعلام می‌شد، الیاس به حکم مهمان‌نوازی، دستور می‌داد به سپاهیان دیلمی آب و غذا بفرستند. همین کار الیاس باعث شد معزالدوله با او صلح نماید و تا زمانی که الیاس بر عهد خود وفادار بود، به کرمان حمله نکرد. بعد از امیر علی الیاس، فرزندش الیسع، جانشین پدر شد. وی عهد و پیمان بسته شده بین پدرش و معزالدوله را نقض کرد. این امر سبب شد معزالدوله با وی جنگید و کرمان را تصرف کرد (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴، ص ۴۱۳). به نظر می‌رسد اگر فرمانروای کرمان، مسیحی هم می‌بود و با معزالدوله پیمان می‌بست، باز هم حاکم بویه‌ای بر عهدی که بسته بود، پایبند می‌ماند.

۵-۲-۶. دانش و دانشمند

امام علی(ع) به کمیل بن زیاد سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «ای کمیل! دانشمندان تا دنیا برقرار است، زنده‌اند. بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان، اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). آن حضرت ارزش یک دانشمند را از هزار عابدی که به عبادت خداوند مشغول باشند، برتر و والاتر می‌داند (حرانی، ۱۳۸۷، ص ۵۴۵). به جابر بن عبدالله انصاری می‌فرمود: «ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: عالمی که به علم خود عمل کند و جاهلی که از آموختن سر باز نزند، بخشنده‌ای که در بخشش بخل نورزد و فقیری که آخرت را به دنیا نفروشد» (نهج البلاغه، حکمت

۳۷۲). دستور ایشان به همه مردم که بی شک شامل اقلیت‌های دینی نیز می‌شود، گواهی در برتری دانش و کسب آن برای همه ملت‌ها است، «أَيُّهَا النَّاسُ اَعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ...» (حرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰).

بویهیان نیز به علم و عالمان ارادت خاصی داشتند. آنچه سیاست‌مداران آل‌بویه را نسبت به سایر دولت‌ها برجسته می‌سازد، گرمی داشتن علم و علما بوده است (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۱۵). آن‌ها با احداث مراکز علمی، به ترویج علم پرداخته، با تشکیل انجمن‌های علمی و مجالس مناظره، راه را برای ورود سایر اقلیت‌ها از جمله مسیحیان فراهم آوردند. در دوران مورد بحث، مکتب یحیی بن عدی نصرانی که از شاگردان فارابی بوده است (نصر، ۱۳۹۱، ص ۳۱)، سرحلقه پژوهشگران تحقیقات فلسفی در بغداد بود و مجلسی بزرگ از پیروان ادیان مختلف تشکیل داده بود. منزل عزالدوله و وزیرش همچون مدرسه‌ای بود که دانشمندانی از پیروان ادیان و مذاهب را در خود جای داده بود. از این‌رو وقتی دانشمندی به قلمرو بویهیان، به خصوص به بغداد وارد می‌شد، طالبان علم او را احاطه می‌کردند و سوال‌های خود را از او می‌پرسیدند (قزوینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۷۸). «اما باید دانست که در دولت اسلام، هیچ پادشاهی شرف ذات و بسط ملک و نفاذ حکم و قهر استیلای رأی و ده‌ها و فر و بهاء چون عضدالدوله نبود چه روز بازار اهل فضل و بلاغت، عهد او بود، گویی جهان به جمله علوم آبتن ماند تا به عهد او رسید، طلق وضع گرفت و بزاد...» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۰).

از میان حاکمان بویهی که علاقه‌افری به علم داشته‌اند، می‌توان از عضدالدوله (حک ۳۷۲-۳۳۸ق) یاد کرد که هرگز از توجه به دانش و دانشمندان و کوشش برای ترویج علم و ادب غافل نماند (صابی، ۱۹۶۴م، ص ۱۰۰-۱۰۲) و خود در کسب معارف آن روزگار، از شعر و ادب گرفته تا هندسه و نجوم، با دقت و علاقه می‌کوشید؛ چنان که سیاست و کشورداری را نزد ابوالفضل بن عمید، نجوم را از عبدالرحمن صوفی و نحو را از ابوعلی فارسی آموخت و همواره به شاگردی آنان افتخار می‌کرد (ابن جوزی، ۱۳۵۹ق، ج ۷، ص ۱۱۵). فرای و هولت بر این باور بودند که مسلمانان از به‌کارگیری عیسویان به عنوان معلمین خود ابایی نداشتند (فرای، ۱۳۵۸، ص ۱۵۳؛ هولت و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۳). عضدالدوله معمولاً جلسات فضلا و دانشمندان را بر مجالس اشراف و امرا ترجیح می‌داد (ابن جوزی، ۱۳۵۹ق، ج ۷، ص ۱۱۵). «جبرئیل بن عبیداله بن بختیشوع بن جبرئیل»، یکی از پزشکان مسیحی عصر آل‌بویه بود، در خدمت ایشان و در سلک ملازمان خاصه بود. عضدالدوله برای او دو

حقوق مقرر کرده بود. به علاوه، خرج خوراک و پوشاک و منزل را نیز از خزانه عضدی دریافت می‌کرد (قفطی، ۱۳۴۷، ص ۲۰۵). در این دوره، «دانش‌های مرده، زنده شد، مردان آن گرد آمدند، جوانان به آموختن و پیران به آموزش دادن پرداختند، ذوق‌ها به جوش آمد، بازار کساد دانش، رونق گرفت و هزینه این کارها، همه از بیت‌المال پرداخت می‌شد» (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۸۱-۴۸۲). ضمن این‌که عضدالدوله خود حامی دانش و دانشمندان بود، پسرانش نیز راه او را دنبال کردند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۳۹۹، ۴۰۸؛ ابن جوزی، ۱۳۵۹، ج ۷، ص ۱۱۵). شرف‌الدوله، بهاء‌الدوله و تاج‌الدوله از حاکمان بویه‌ای و فرزندان عضدالدوله را می‌توان از سیاست‌مداران روشنفکر آل‌بویه قلمداد کرد.

۵-۲-۷. آزادی اندیشه

آزادی بیان، عقیده و اندیشه از مواردی است که قرآن در راستای کرامت انسانی بدان اشاره نموده است (نحل، ۱۲۵؛ آل عمران، ۶۴). بر همین اساس و با تکیه بر آیات قرآنی بود که رسول اکرم (ص)، هیچ اسقف، راهب و کاهنی را از کارشان برکنار نمی‌کرد (ابن‌سعد، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۶۶). جانشین برحق ایشان نیز همین رفتار را با اهل ذمه انجام دادند (بویس، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). حضرت علی (ع) به فرمانروایان و حاکمان نیز بر آزادی دادن به اقلیت‌ها سفارش و تأکید می‌کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۳). به شرطی که به تبلیغ دینشان در سرزمین اسلامی منجر نشود (حسینی جلالی، ۱۳۹۳، ص ۹۰).

وقتی شخص غیر مسلمانی از امام علی (ع) پرسید که شما از دفن پیامبران فارغ نشده بودید که اختلاف کردید، حضرت فرمود: «ما درباره جانشینی او اختلاف کردیم، نه درباره او؛ ولی شما هنوز پاهایتان از آب دریا خشک نشده بود که به پیغمبرتان گفتید، همان طور که آن‌ها را خدایانی است، برای ما هم خدایی بساز. گفت: شما مردمی بی‌خرد هستید» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۷). سؤال از وی و جواب از حضرتش، نهایت داشتن آزادی اندیشه و بیان را می‌رساند که اقلیت‌های دینی در حکومت علوی تجربه می‌نمودند.

حاکمان بویه‌ای نیز به اقلیت‌ها و مسیحیان اجازه می‌دادند اندیشه‌های خود را بیان نمایند. حتی اندیشه‌هایی که بعضاً مخالف با افکار و عقاید بویهیان بود. حمایت از پیروان ادیان باعث شده بود آنان اعتقادات خویش را بدون این‌که تقیّه نمایند، ابراز کنند و کسی با تعصب دینی با کسی برخورد نمی‌کرد (سجستانی، بی‌تا، ص ۳۸۵-۳۸۶). به نظر می‌رسد جذب اهل اندیشه و اجازه بیان اندیشه‌ها، به روحیه

تساهل و تسامحی سیاستمداران آل بویه مربوط می‌شد و به فضای نسبتاً بازی که حاکمان بویه‌ای در گسترش آن نقش موثری داشتند. فرصت دادن به ظهور اندیشه‌های مختلف، این امکان را به وجود آورد تا اقلیت‌های دینی در کنار مسلمانان در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، زمینه‌های رشد را برای همه گروه‌ها، مذاهب و ادیان به وجود آورد، به طوری که عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره آل بویه تحقق یافت.

با این اوصاف می‌توان گفت دوران آل بویه مصادف با آزادی نسبی و بیان عقاید و اندیشه‌ها است. در این دوره، مسیحیان را به خاطر این که مسلمان نبودند، مورد آزار و اذیت قرار نمی‌دادند. حقوق آنان را ناچیز نمی‌شمردند. در نتیجه آنان نیز با قبول مسئولیت‌هایی که از طرف کارگزاران بویه‌ای به آن‌ها محول می‌شد، از حکومت بویه‌پیمان حمایت می‌کردند (شاکری، ۱۳۸۶، ص ۵۴-۷۷).

۵-۲-۸. امنیت، رفاه و آبادانی

بی‌شک، امنیت در سایه صلح امکان‌پذیر است. «ان فی الصلح دعة للناس و امنًا للبلاد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین رفاه و آسایش هر جامعه‌ای به امنیت آن بستگی دارد. در این خصوص پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَنْ آذَى ذِمَّتِي فَأَنَا خَصْمُهُ» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۲۳۴). ایشان با این فرمان، اهل کتاب را مورد احترام قرار داده و همگان را از تعرض به ایشان برحذر می‌دارند. بر همین اساس حضرت علی (ع) وقتی شنید که سپاهیان شام تحت فرماندهی معاویه به زنان اهل ذمه یورش برده‌اند و آنان را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند، شدیداً ناراحت و متأثر شدند (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)، زیرا حاکمیت اسلامی در قبال دریافت جزیه از اهل ذمه، مسئول حمایت از آنان بوده و این تعرض از طرف فرمانروای اسلامی بر اقلیت‌ها، حضرتش را سخت برمی‌آشفته.

مهم‌ترین موضوعی که در قرن چهارم و پنجم هجری، امنیت اجتماعی را از بین برده بود، اختلافات فرقه‌ای و جنگ‌های امرای محلی بود، به طوری که وقتی معزالدوله و عضدالدوله وارد بغداد شدند، با شهری نیم‌سوخته و ویران روبه‌رو شدند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۷۷). یکی از کارهایی که در دوره کارگزاران بویه‌ای صورت گرفت، توجه به امنیت، رفاه و آبادانی بود. عمادالدوله و رکن‌الدوله به دلیل درگیری‌ها و جنگ‌های مختلف، نتوانستند به این امور نائل آیند، اما در زمان معزالدوله تا حدودی امنیت نسبی در شهرها حاکم گردید. با روی کار آمدن عضدالدوله، اوضاع عمومی بهتر شد. وی ضمن ایجاد امنیت، به آبادانی شهرها و مزارع و راه‌ها و ایجاد مراکز درمانی و آموزشی پرداخت. همچنین دستور نوسازی خانه‌ها و بازارهای بغداد را داد. وی «آباد کردن بغداد بیاغازید» (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۱۲،

ص ۵۲۴۰). این اقدامات باعث شد که مردم به بویهیان اعتماد نمایند. این خود منجر به رفاه، آبادی و آسایش گردید (مقدس، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۰۵)، مسیحیان نیز از رفاه و آبادی بهرمنند شدند. هرچند مسیحیان در قلمرو حکومتی آل بویه به صورت پراکنده در فارس، خوزستان، رحاب، تبریز، موغان، خلایط، اصفهان، تکریت و بصره زندگی می‌کردند (مقدس، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۵۳-۶۵۴؛ اصطخری، بی‌تا، ۸۴، ۱۳۹؛ جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۱؛ ابن حوقل نصیبی، ۱۹۳۸م، ج ۱، ص ۲۲۸؛ ملک مکان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲-۱۵۳؛ اشپولر، بی‌تا، ص ۳۸۵-۳۸۶)، اما در نهایت آزادی به سر می‌بردند و بدون این‌که مزاحمت و محدودیتی داشته باشند، در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کردند و به طور یکسان از حمایت‌های مالی و معنوی سیاست‌مداران بویه‌ای برخوردار بودند (دانش پژوه، ۱۳۳۷، ص ۶۸؛ راوندی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۲۳۹).

۵-۲-۹. اقتصاد

اقتصاد، تجارت و بازرگانی از مظاهر پیشرفت همه جوامع و مخصوصاً جامعه اسلامی بوده و ضمن برآورده کردن مایحتاج آحاد جامعه، به گسترش عدالت اجتماعی نیز نگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین، می‌طلبید که حاکم اسلامی در گسترش، پیشبرد و توسعه آن تلاشی وافر داشته باشد. حضرت علی (ع) بنا به درخواست اهل ذمه که از ایشان خواسته بودند در خصوص نهر آبی که خشکیده و کار تجارت و بازرگانی را بر آن‌ها سخت کرده بود چاره‌ای بیندیشد، امام (ع) از کارگزار خویش خواست تدبیری اندیشیده شود تا نهر آب، احیاء و آن مکان مجدد آباد شود (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳). صدور چنین دستوری به قرظ بن کعب انصاری، اهمیت اقتصاد و تجارت اقلیت‌های دینی را در سرزمین‌های اسلامی دوچندان می‌نماید. امیرمؤمنان (ع) اینگونه، در گسترش روابط اقتصادی، بین مسیحیان و مسلمانان فرقی نمی‌گذاشتند (عمید زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴).

با توجه به این‌که دین مبین اسلام برای فعالیت مسلمانان با دیگر پیروان ادیان نهی و منعی نکرده است، بنابراین، مسیحیان در زمان حکومت بویهیان به کار و فعالیت پرداختند. این امر موجبات شکوفایی و رونق اقتصادی را فراهم آورد، به طوری که تحولات بغداد (پایتخت خلافت عباسی)، نقش مهمی در تعیین نرخ‌ها داشت (بیش، ۱۳۸۷، ص ۹۵).

مسیحیان در دوره بویهیان در عرصه اقتصاد، تجارت و بازرگانی سهم عمده‌ای داشتند. آنان اغلب، اوراق بهادار و اوراق اعتباری را به عنوان وسیله پرداخت به کار می‌بردند. فعالیت‌های تجاری و بازرگانی را که خود موجب جذب مقادیری هنگفت از طلا می‌شد را نیز باید به این عوامل افزود (سعید شیخلی،

۱۳۶۲، ص ۱۲-۱۳؛ لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۲). آنان بیشتر تاجر، بازرگان، پیشه‌ور، کسبه و خزانهدار بودند. در سایه سیاست تسامحی و تساهلی سیاست‌مداران بویهی، مسیحیان که از آزادی بهره‌ای یافتند، نهایت سعی خود را کردند تا در حوزه‌های مختلف فعالیت نمایند. بنابراین، بعضی‌ها به تجارت و برخی دیگر به صنعت و امور دیوانی پرداختند. معزالدوله، مسئولیت اداره خزانه را به ابوعلی حسن بن ابراهیم شیرازی مسیحی سپرده بود. عضدالدوله نیز رئیس دیوان هزینه را به عهده ابوعلی مکیحای مسیحی محول کرده بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۵۹؛ اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۸۹). بازرگانان مسیحی در نواحی بغداد، بصره، عمان و بندر سیراف و سایر بنادر، فعالیت داشتند (زرین کوب، ۱۳۹۲، ص ۴۵۱). جغرافی‌دانان نیز از آبادانی شهرها از جمله بغداد، ری و مازندران در این قرن سخن گفته‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۱۷).

باید گفت که عراق در این دوران از لحاظ اقتصاد، کشاورزی، بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی ترقی کرد. حضور مسیحیان سبب شد جامعه به نحوی رشد و تحول یابد که تجارت و بازرگانی که از مهم‌ترین ارکان زندگی بود، توسعه یابد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر آن بود تا سیره حکومتی نخستین امام شیعیان حضرت علی (ع) و حکومت آل‌بویه را در مواجهه با مسیحیان مقایسه و تبیین نماید. کرامت انسانی در دوره‌های مورد بحث به صورت قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفته می‌شد؛ به طوری که کارها را به شایسته‌ها واگذار می‌کردند و از به‌کارگیری خیانتکاران در بدنه حکومت جلوگیری می‌شد. در خصوص رعایت عدالت و پرهیز از بی‌عدالتی، تلاش حاکمان بویه‌ای بر این امر استوار بود تا با تأسی از مولای خود، انصاف و عدالت را بین عموم مردم رعایت نمایند. نحوه برخورد با توده مردم در هر دو حکومت طوری بود که عموم مردم خصوصاً اقلیت‌های دینی رضایت خاطر داشتند. در بحث پابندی به عهد و پیمان، با توجه به اینکه حاکمان هر دو دوره از مسلمانان بودند و به قرآن اعتقاد داشتند، فرامین قرآنی را در دستور کار خود قرار داده بودند. در جای جای قرآن کریم به وفای به عهد اشاره‌هایی شده است. از جمله مواردی که می‌توان از پژوهش حاضر استنتاج کرد، محترم شمردن دانش و دانشمندان می‌باشد. با توجه به اینکه حاکمان هر دو دوره از ائیمان دانش و دانشمندان بوده‌اند، لذا طبیعی است که در این دوره‌ها علم نیز به پیشرفت‌هایی نائل آید. آزادی اندیشه از دیگر مؤلفه‌هایی بود که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد. حاکمان با سعه صدر حتی به نظرات مخالفین نیز ارزش و احترام قائل بودند. یکی از دغدغه‌هایی که معمولاً حاکمان دارند،

تأمین امنیت و آبادانی است. آن طور که مشاهده شد، با تدابیری که حاکمان دوره‌های مورد بحث به کار گرفتند، شاهد رونق عمران و آبادانی که در زیر سایه امنیت امکان‌پذیر است، هستیم که منجر به رونق و پیشرفت اقتصاد در دوره‌های مورد بحث شد. همه این موارد، حاکی از این است که در دوره حکومت علوی و بویه‌ای، رفتار مناسبی با توده مردم و مسیحیان صورت می‌گرفت. مسیحیان در رفاه نسبی بودند. وضع مسیحیان در جامعه بویه‌ای شیعی مذهب، به مراتب، بهتر از وضع آن‌ها در سایر جاها بود. همچنین از نتایج به دست آمده، می‌توان به تلاش حاکمان بویه‌ای اشاره کرد که نهایت دقت، سعی و کوشش را می‌نمودند تا اقلیت‌های دینی و مخصوصاً مسیحیان در قلمرو آنان در رفاه باشند. اتخاذ چنین سیاستی باعث شد در دستگاه بویه‌ای، شاهد حضور، همکاری و اشتغال مسیحیان باشیم که به طبع آن رنسانس اسلامی پدید آمد. دوره‌ای که آل‌بویه حکمرانی می‌کرد، یکی از درخشان‌ترین دوره‌هایی است که حتی متعصبین نیز به شکوه این دوره اذعان دارند و به این معترف هستند که عهد بویه‌ایان باعث رشد و شکوفایی تمدن اسلامی بوده است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که سیره بیشتر کارگزاران و حاکمان بویه‌ای در تعامل با مسیحیان، به سیره علوی نزدیک بوده است. بی‌شک هیچ کس در امر مملکت‌داری، به سیره حضرت علی (ع) نرسید و نخواهد رسید.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابراهیم حسن، حسن (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی اسلام. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بدرقه جاویدان.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۵ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۶ق). شرح نهج البلاغه. بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ دوم، ج ۱.
۴. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۱). الکامل فی التاریخ. ترجمه علی هاشمی حائری. تهران: شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران، ج ۱۳، ۱۵.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۰). الکامل فی التاریخ. برگردان حمیدرضا آژیر. تهران: انتشارات اساطیر، ج ۱۲.
۶. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۲). الکامل. ترجمه حمیدرضا آژیر. تهران: انتشارات اساطیر، ج ۱۱.
۷. ابن اثیر، عزالدین علی (بی تا). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ هفتم، ج ۳.
۸. ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال. تهران: انتشارات پدیده خاور، ج ۱.
۹. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۳۵۹ق). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. حیدرآباد دکن (هند): داتره المعارف العثمانیه، ج ۷.
۱۰. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۷-۸.
۱۱. ابن حوقل نصیبی، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸م). صوره الارض. بیروت: دار صادر، ج ۱.
۱۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۴). العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۴.
۱۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون. تحقیق خلیل شحاده. بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ج ۳.
۱۴. ابن سعد، محمد بن سعید (۱۴۰۵ق). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر، ج ۱.
۱۵. ابن عبری، غریغوریوس بن هارون (۱۳۷۷). مختصر تاریخ الدول. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۳۲ق). تجارب الامم. به کوشش آمدروز. طبع افست، ج ۶.
۱۷. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶). تجارب الامم و تعاقب الاهم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات توس، ج ۵-۶.
۱۸. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹). تجارب الامم و تعاقب الاهم. تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: سروش، ج ۶.
۱۹. ابن ندیم، ابوالفرج (۱۳۶۶). الفهرست. تصحیح محمد نجد. تهران: بی نا، چاپ سوم.
۲۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۹ق). البدایه و النهایه. بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ پنجم، ج ۸.
۲۱. اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
۲۲. اشپولر، برتولد (بی تا). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ترجمه جواد فلاطوری، مریم میراحمدی. تهران: علمی و فرهنگی.

۲۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی (بی تا). **المسالک و الممالک**. قاهره: الهيئة العامة لقصور الثقافة.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۷). **فتوح البلدان**. ترجمه محمد توکل. تهران: نشر نقره.
۲۵. بویس، مری (۱۳۸۵). **زردشتیان؛ باورها و آداب دینی آن‌ها**. ترجمه عسگر بهرامی. تهران: ققنوس.
۲۶. بینش، عبدالحسین (۱۳۸۷). **آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی**. تهران: اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۷. تمیمی، ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۳۸۹). **دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام**. تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی. قاهره: دارالمعارف، ج ۲.
۲۸. توحیدی، ابوحیان (۱۹۵۶م). **مثالب الوزیرین**. دمشق: مطبوعات المجمع العلماء العربی، ج ۱.
۲۹. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک (۱۹۵۶م). **یتیمه الدهر**. مصحح محمد محیی‌الدین عبدالحمید. الازهر: مطبعة السعادة، ج ۲.
۳۰. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). **اشکال العالم**. ترجمه عبدالسلام کاتب؛ تصحیح فیروز منصوری. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۱. حرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۳۸۷). **تحف العقول عن آل رسول**. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: انتشارات آل علی (ع).
۳۲. حرعاملی، محمدحسن (۱۳۸۴). **وسائل الشیعه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۸، ۱۱.
۳۳. حسینی جلالی، محمدرضا (۱۳۹۳). **سید الوصیین و امیرالمؤمنین الی قاضی اهواز**. قم: دانشگاه مفید.
۳۴. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). **معجم البلدان**. بیروت: دار صادر، طبعه الثانيه، ج ۲.
۳۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۳۴۹). **تاریخ بغداد، او مدینه السلام**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱.
۳۶. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۵۵). **دستور الوزراء**. تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال، چاپ دوم.
۳۷. دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۳۷). **شیراز نگینی درخشان در فرهنگ و تمدن ایران زمین**. تهران: هیرمند.
۳۸. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). **تاریخ اجتماعی ایران**. تهران: امیرکبیر، ج ۲.
۳۹. روزراوری، ظهرالدین ابوشجاع محمد بن حسین (۱۳۷۹). **ذیل کتاب تجارب الامم**. تحقیق ابوالقاسم امامی. تهران: سروش، طبعه الثانيه.
۴۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). **روزگاران (تاریخ ایران از آغاز تا سقوط پهلوی)**. تهران: سخن.
۴۱. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۹۲). **کارنامه اسلام**. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۲. سجستانی، ابوسلیمان (بی تا). **صوان الحکمه و ثلاث رسائل**. تحقیق عبدالرحمن بدوی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۴۳. سعیدالشیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲). **اصناف در عصر عباسی**. ترجمه هادی عالم‌زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۴. شائبشتی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۹۵۱م). **الديارات**. تحقیق کورکیس عواد. بغداد: مطبعة المعارف، ج ۳.
۴۵. شاکری، مریم (۱۳۸۶). **تساهل‌گری مذهبی آل بویه**. **تاریخ‌پژوهان**، ۳(۱۲)، ص ۵۴ - ۷۷.
۴۶. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴). **مجالس المؤمنین**. تهران: کتابفروشی اسلامی، ج ۱.
۴۷. صابی، هلال (۱۹۶۴م). **رسوم دارالمخلافه**. تحقیق میخائیل عواد. بغداد: بی تا.
۴۸. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰). **حقوق اقلیت‌ها**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
۴۹. فرای، ریچارد (۱۳۵۸). **عصر زرین فرهنگ ایران**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات سروش.
۵۰. فرای، ریچارد (۱۳۹۰). **تاریخ کمبریج**. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ج ۴.
۵۱. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷). **آل بویه و اوضاع زمان ایشان**. بی جا: انتشارات گیلان.
۵۲. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). **آثار البلاد و اخبار العباد**. تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث؛ ترجمه با اضافات جهانگیر میرزا. تهران: امیرکبیر، ج ۲.

۵۳. قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف (۱۳۴۷). **تاریخ الحکماء**. به کوشش بهمن دارایی. تهران: دانشگاه تهران.
۵۴. کبیر، مفیزالله (۱۳۶۲). **ماهگیران تاجدار**. ترجمه مهدی افشار. تهران: رفعت.
۵۵. کرمر، جونل. ل. (۱۳۷۵). **احیای فرهنگی در عهد آل بویه**. ترجمه سعید حنایی کاشانی. تهران: نشر دانشگاهی.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). **اصول کافی**. تهران: منشورات المكتبة الاسلامیه، ج ۲.
۵۷. لاپیدوس، ایراماروین (۱۳۷۶). **تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم**. ترجمه محمود رمضان‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۱.
۵۸. لین پل، استانی؛ بارتولد، الکساندر (۱۳۶۳). **تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومت‌گر**. ترجمه احمد سعید سلیمان، خلیل ادهم، صادق سجادی. تهران: نشر تاریخ ایران، ج ۱.
۵۹. ماوردی، ابوالحسن (۱۳۸۳). **احکام السلطانیه**. ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۰. متحده، روی پرویز (۱۳۸۸). **اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه**. ترجمه محمدرضا مصباحی، علی یحیایی. مشهد: انتشارات خانه آبی.
۶۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). **بحار**. بیروت: موسسه الوفاء، ج ۴۱.
۶۲. مستوفی قزوینی، حمدالله ابی بکر بن احمد بن نصر (۱۳۳۹). **تاریخ گزیده**. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
۶۳. مستوفی قزوینی، حمدالله ابی بکر بن احمد بن نصر (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
۶۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ج ۱-۲.
۶۵. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۳). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ج ۲.
۶۶. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). **السلوک لمعرفه دول الملوک**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۴.
۶۷. ملک مکان، حمید و همکاران (۱۳۸۹). **تشیع در عراق در قرون نخستین**. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶۸. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۹۸۱م). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ج ۲۱.
۶۹. نصر، سید حسین (۱۳۹۱). **علم و تمدن در اسلام**. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷۰. همدانی، محمد بن عبدالملک (۱۹۶۱م). **تکمله تاریخ طبری**. بیروت: مطبعه کاتولیکه، ج ۱.
۷۱. هولت، پیتر مالکوم و همکاران (۱۳۸۷). **تاریخ اسلام کمبریج**. ترجمه تیمور قادری. تهران: انتشارات مهتاب، ج ۱.
۷۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). **تاریخ الیعقوبی**. بیروت: دارصادر، ج ۲.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.9232.1060

رهبری، عباس؛ طهمزی، ایوب (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی برخورد امام علی (ع) و حکومت آل بویه (شاخه بغداد) با مسیحیان. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۱)، ص ۳۱-۵۲.